

آرمان عدالت زمینه ساز حکومت مهدوی در نقشه راه گام دوم انقلاب: ارائه توصیه های سیاستی آیت الله خامنه ای*

مهدیه علوی فر^۱

چکیده

آرمان عدالت در حکومت مهدوی سهم به سزایی در خروج جامعه از وضع موجود و الگوییابی در جهت بهتر شدن و سیورورت الی الله دارند. این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که چگونه می توان براساس توصیه های سیاستی و راهبردهای مقام معظم رهبری زمینه تحقق آرمان عدالت را در حکومت آرمان شهر مهدوی مهیا ساخت. در این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی با توجه به توصیه های سیاستی آیت الله خامنه ای تبیین می شود که راهبردهای عدالت گرایی در گستره ایران با عدالت پژوهی در حوزه و دانشگاه، تدوین نظریه ناب اسلامی درباره عدالت، تبیین شاخصه های عدالت توأم با استقامت و اقتدار محقق می گردد و در عرصه جهانی با بیداری و معرفت افزایی جهانیان نسبت به موعود عدل گستر، رسوا نمودن قدرت های استکباری، تشکیل جبهه متحد علیه استکبار، استفاده از فرصت دیپلماسی عمومی و کمپین های دانشجویی علیه آمریکا و اسرائیل در فضای مجازی و در آخر با مشارکت دموکراتیک جهانی در عرصه مدیریت بین المللی زمینه های حکومت عدل گستر مهدوی مهیا می گردد.

واژگان کلیدی

آرمان، عدالت، آرمان شهر، حضرت مهدی عج، آیت الله خامنه ای.

مقدمه

مسئله نهایت و سرانجام سیر عمومی بشر در دنیا از جمله مهم ترین ابعاد جهان بینی مکاتب بشری و ادیان توحیدی می باشد، که با عنوان نظریه پایان جهان و تاریخ مطرح شده است. در رابطه با این مسئله دو نگرش بدبینانه و خوشبینانه به فرجام جهان وجود دارد. در نگاه اول نابودی، انحطاط محض، برخورد تمدن ها، ظهور دولت های ناتوان و گسترش جنایات سازمان یافته، تاریخ را به پایان خواهند رساند، پایان جهان به آتش انفجارهای هسته ای و ویرانی های

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۳

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران (mahdiehalavyfar@uk.ac.ir).

غیرقابل ترمیم ختم خواهد شد (دریاباری، cd). نگاه دوم که نقطه مقابل رویکرد نخست است؛ پایان جهان در اوج کمال و رستگاری انسان به رهبری موعود نجات بخش، به منزلگاهی مطلوب و دلگشا ختم خواهد شد، که «عدالت» خصوصیت عمده این مقصد است.

انبیاء و اولیاء الهی پیشتازان گفتمان عدالت‌گرایی و عدالت‌خواهی در جوامع بودند، لذا عدالت وجه اشتراک تمامی ادیان توحیدی است چرا که عدالت نیازی فطری بشر و از جمله زیرساخت‌های تشکیل جامعه توحیدی است. در آئین زردتشت موعود نجات بخش و عدالت‌گرا "سوشیانت"، در دین یهود "ماشیح"، در دین مسیح حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام ملقب به "فارقلیط" و در آئین اسلام حضرت حجت بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَام دوازدهمین امام شیعه جهان را به توحید، عدالت، امنیت و اخلاق... رهبری خواهد کرد (مددیور، cd).

در عصر حاضر آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جهان اسلام در «بیانیه گام دوم انقلاب» عدالت را به عنوان چهارمین عامل زمینه‌ساز ظهور خورشید عظمای ولایت و تمدن اسلامی معرفی می‌نمایند.

سؤال اصلی این مقاله عبارت از این‌که با چه روش‌هایی می‌توان آرمان عدالت زمینه‌ساز حکومت مهدوی را براساس توصیه‌های سیاستی و راهبردهای مقام معظم رهبری تحقق ساخت؟ پاسخ به این سؤال با روش تحلیلی و توصیفی با توجه به توصیه‌های سیاستی و راهبردهای عدالت‌گرایی آیت‌الله خامنه‌ای در دو گستره ایران اسلامی و جهان بیان می‌شود.

فرضیه این مقاله براین مبنا است که یکی از ابعاد زمینه‌ساز ظهور منجی، عدالت است؛ یعنی اگر در بُعد اعتقادی و عملی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های عدالت‌گرایی در جامعه اوج بگیرند؛ این امر سبب تعجیل در ظهور می‌شود، و اهمال در برابر آن باعث تاخیر در ظهور و حکومت آرمانی می‌شود.

سؤالی که مطرح می‌شود آیا فرضیه فوق قابل اجتماع است با روایاتی که از ویژگی‌ها و شرایط ظهور را فراگیر شدن ظلم در روی زمین برمی‌شمرند؟

باید توجه کرد که صرف به ستوه آمدن مردم از ظلم و یا به اوج رسیدن جور برای تحقق فرج کافی نیست؛ چنانچه پس از نارضایتی مردم از ظلم و جور حکومت عثمان، عوامل تشکیل حکومت علوی به اوج خود رسیده بود، و مردم برای انتخاب حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان خلیفه مسلمین به در خانه حضرت هجوم آوردند اما؛ حضرت می‌فرمودند: نه من را رها کنید.

چرا در مقابل این همه اصرار برای خلافت حضرت امتناع می‌کردند؟ آیا ایشان تعارف داشتند؟ علت اصلی امتناع حضرت این بود که هر چند مردم از ظلم خسته شده بودند اما

شرایط و زمینه‌های تحقق عدالت همچون عدم دنیاگرایی و استحکام مبانی دینی را نداشتند. و در عین حال نه فهم و درکی از عدالت و نه تحمل آن را داشتند. برای این که جامعه مرحله به مرحله به ظهور نزدیک شود؛ باید جامعه در ابعاد درک ظلم، فهم صحیحی از عدالت و اجرای فراگیر و پایدار عدالت رشد پیدا کنند. بنابراین در عین این که در زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه ظلم و جور به بالاترین حد فراگیری رسیده است، اما؛ باید مردم آمادگی پذیرش عدالت و لوازم آن و تا تاب و تحمل عدالت مهدوی هم را داشته باشند همچنین باید ریشه‌های ظلم را هم هر چند به صورت اجمالی بشناسند. تا دیگر بار تاریخ شاهد قتل منادی عدالت به خاطر شدت عدالتش نباشد (پناهیان، ۱۳۹۱ش: ۳۰-۳۲).

راهبردهای زمینه‌ساز آرمان عدالت برای حکومت مهدوی، تلاش در دو عرصه نظریه‌پردازی و عملی است. قدم اول در بُعد نظری مستلزم این مسئله است که عدالت در راس گفتمان نخبگانی قرار گیرد، بدین جهت حوزه و دانشگاه باید عدالت‌پژوهی مبتنی بر بنیان‌های علمی مستخرج از منابع ناب اسلامی را گسترش دهند و از هرگونه التقاطی با تفکرات غربی مبتنی بر جهان بینی غیرالهی پرهیز نمایند و از جهت عملی عدالت‌گرایان باید بدانند که معیار عدالت حداکثری است که در راستای تحقق آن، جهاد و مبارزه با فساد در دو گستره بین‌المللی و ملی لازم و ملزوم یکدیگرند.

و در آخر باید متذکر شد که اگر مبارزه با فساد از هدف فردی به اهداف جمعی توأم با شدت مبدل شود؛ و جوامع فعالانه دنبال تحقق آرمان عدالت با رویکردی جمعی و جهانی باشند؛ زمینه‌های موثر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مهیا می‌شود.

آرمان و آرمان شهر

فهم صحیح فرهنگ آرمانی در صورت تصویری جامع از آرمان به دست می‌آید. آرمان به معنی فرجام و غایت است (صلیبا، صانعی، ۱۳۶۶ش: ۲۵).

از منظر مقام معظم رهبری آرمان در اصطلاح «هدف و برنامه‌ریزی» است (بیانات رهبری پیام به دومین همایش سراسری جنبش دانشجویی، ۱۳۸۱/۸/۶).

براساس اندیشه‌های راهبردی رهبری، راه رسیدن به هدف‌های متعالی، توجه به مبادی آرمانی با رویکردی عقلی - دینی است که به شرح ذیل است:

الف) محرک بودن آرمان: جوامع برای رهایی از باتلاق رکود باید دائماً آرمان‌های متعالی را

در سند چشم‌انداز خود ملاحظه نمایند وگرنه خورده ایستایی و جمود آنها را از پا درمی‌آورد. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

آنچه موجب شوق و پشرفت و حرکت در ملت‌ها می‌شود آرمان هستند و هرچه این آرمان‌ها والاتر و محبوب‌تر و نورانی‌تر باشند حرکت صحیح‌تر خواهد بود (بیانات رهبری با فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۵/۶/۲۸).

ب) عقلانیت آرمان: آرمان برخلاف آرزوهای طولانی دارای مبدأ و غایت عقلایی هستند، که عقاء جوامع نسبت به آنها اجماع دارند. «آرمان‌گرایی عین عقلانیت است زیرا اگر ملتی بدن آرمان شود همانند وضعیت امروز جوامع غربی از درون تهی و پوچ خواهد شد» (همان).

ج) واقع‌گرایی آرمان: آرمان امری موهوم و ذهنی نیست بلکه آرمان‌گراها از واقعیت‌های مثبت جامعه استفاده و با واقعیت‌های سلبی مبارزه و مقابله می‌کنند. بدین ترتیب آرمان‌گرایی مخالف واقع‌گرایی نیست بلکه در تقابل با محافظه‌کاری است که با خوب و بد واقعیت‌سازش دارند (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰).

بنابراین آرمان هدف و برنامه‌ای مبتنی بر واقعیت جامعه است، که آن در لابه‌لای موانع و مشکلات باید مسیریابی کرد. و انتظار پدیدار شدن آن از طریق اموری چون معجزه، مخالف با واقعیت‌گرایی آرمان است (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷).

د) این جهانی بودن آرمان: آرمان از سنخ امور ذهنی و انتزاعی نیست، بلکه آرمان واقعیتی این جهانی است که شهروندان با استفاده از سازوکارهای تربیتی و آموزشی به آن دست می‌یابند (افضلی، لک‌زایی، ۱۳۹۳: ش: ۶۲).

ه) مطالبه‌آرمانی: راهبردی فعالانه و عملیاتی که مقام معظم رهبری به جوانان دختر و پسر برای تحقق آرمان‌ها توصیه می‌نمایند: «مطالبه آرمان‌ها از مسئولین است» (بیانات رهبری در دیدار با جوانان، ۱۳۸۱/۱۲/۶). چرا که عدم مطالبه آرمان‌ها، جوامع را گرفتار روحیه غفلت و فراموشی و مسئولین را دچار روزمره‌گی می‌کند (بیانات در دیدار معلمان سراسر کشور، ۱۳۸۵/۲/۱۲).

آرمان‌شهر از منظر صدرالمتالهین همان شهر خوب یا برتر است. از این سخن دو امر دیگر انتزاع می‌شود: ۱. عدم مقبولیت وضع موجود؛ ۲. امکان ارائه الگوی وضع مطلوب (ملاصدرا، ۱۹۸۱م: ج ۱، ۷).

پژوهشگر با تعمق در تعریف صدرایی از آرمان‌شهر، به یکی از مفاهیم کلیدی آرمانی یعنی «انتظار» رهنمون می‌شود، چرا که انتظار نیز بر دو مبنا استوار است: ۱. قبول نکردن و رد کردن

آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است؛ ۲. تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق پیدا خواهد کرد (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

مقام معظم رهبری از جامعه‌ای که آرمان‌های الهی و انسانی در آن ظهور یافته با توجه به فرهنگ قرآنی تعبیر به «حیات طیبه» می‌نمایند، حیات طیبه «یعنی همه چیزهایی که بشر برای بهزیستی و سعادت خود به آنها احتیاج دارد» در جامعه موجود باشد (بیانات رهبری، ۹۴/۶/۲۵). شاخصه‌های حیات طیبه یا آرمانی براساس منظومه فکری ایشان عبارت از معنویت، جامعه مؤمن و متعبد، جامعه پیشرفته، جامعه عادل، جامعه آزاد مخصوصاً آزادی فکر، جامعه قوی و مستحکم، جامعه متحد، جامعه دارای اعتماد به نفس، عزت ملی، استقلال، رفاه و... می‌باشد (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۲/۱۹؛ ۱۳۹۴/۶/۲۵؛ ۱۳۹۴/۴/۲۰).

باید ابراز کرد اگر کسی خواهان اعتلای اسلام و ایران در جوامع جهانی است؛ باید به سمت نهادینه‌سازی معیارها و ملاک‌های حیات طیبه حرکت کنند. «این حرکت به سمت حیات طیبه تمام شدنی نیست *«أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»* (شوری: ۵۳). صیوروت یعنی روز به روز بهتر بشود این را می‌گویند صیوروت، بشر به سمت خدا صیوروت دارد، و جامعه مطلوب اسلامی آن است که این صیوروت در آن وجود داشته باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۶/۲۵).

خلاصه آن‌که هر جامعه‌ای که غایت و مقصدش نیل به تمام حقیقت خیر و اعلی مرتبه کمال است؛ بداند که جزء در سایه حیات طیبه در مدینه فاضله به آرمانش دست نمی‌یازد «فَالْخَيْرُ الْاَفْضَلُ وَالْكَمَالُ الْاَقْصَى انما ینال بالمدينة الفاضله» (ملاصدرا، ۱۳۵۴ ش: ۴۹۰).

از منظر ملاصدرا معیاری که آرمان شهر حق را از باطل می‌توان تمییز داد این است که آرمان شهر، شهری است که شهروندان آن مومن، قانون آن الهی و حاکم آن نبی است؛ حکومت امام و فقیه نیز حکم حکومت نبی را دارد؛ به دیگر سخن جامعه‌ای آرمانی است؛ که در آن معصوم یا جانشین معصوم حاکم باشد؛ زیرا در چنین جامعه‌ای است که رسیدن به سعادت و کمال مطلوب برای انسان امکان‌پذیر است (ملاصدرا، ۱۳۶۰ ش: ۴۹۰).

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود آرمانی خویش را در راستای اعتلای بشریت، چنین به ابا اسحاق معرفی می‌نمایند:

یا بنی ان الله جل ثناءه لم یکن لیخلی اطباق ارضه واهل الجدی فی طاعته و عبادته
بلا حجت یستعلی بها (ابن بابویه، ۱۳۵۹ ش، ج ۲، ۴۴۷-۴۴۸)؛

ای فرزندم خداوند طبقات زمین و اهل جدیت در طاعت و عبادت را بدون حجت نمی‌گذارد حجتی که به واسطه او [از جهت مکان و ترتیب] رفعت و اعتلاء می‌یابند.

نتیجه آن که بشر معاصر فقط از طریق التزام به قانون الهی و ایمان‌گرایی شخصی، به آرمان‌شهر راه نمی‌یابد بلکه باید علاوه بر ایمان به وحی؛ در زمان غیبت تحت حکومت ولایت فقیه و در زمان ظهور موعود در ظلّ توجهات و عنایات حضرت بقیة الله الاعظم و تبعیت از ایشان به آرمان دیرینه‌اش سوق یابد.

زمینه‌سازی حکومت آرمانی مهدوی

زمینه‌سازی در لغت به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام امری است (انوری، ۱۳۸۱ ش: ج ۵، ۳۸۶). اما در اصطلاح زمینه‌سازی یعنی تحقق یک پدیده (زمینه) در تحقق پدیده دیگر تأثیرگذار است. و به تعبیر دیگر زمینه‌سازی برای حکومت آرمانی حضرت مهدی علیه السلام، عبارت از آمادگی و ایجاد مقدمات ظهور است مراد از زمینه‌سازی ظهور یعنی در بُعد اعتقادی و عملی ظرفیت‌ها چنان اوج بگیرند که سبب تعجیل در ظهور شود، و اهمال در برابر آن باعث تاخیر در ظهور و حکومت آرمانی می‌شود (آیتی، ۱۳۹۰ ش: ۳).

چنان‌که خواجه نصیرالدین طوسی بر این عقیده است که وجود و تصرف امام از الطاف الهی نشأت می‌گیرد، و غیبت و محرومیت از وجود امام از پیامدهای سوء رفتار بشر است. «وجوده لطف، و تصرفه [لطف] آخر، و غیبتة منّا» (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۲۲۱). از این کلام چنین استنباط می‌شود؛ چنان‌که اعمال ناشایست بشر منجر به غیبت امام شده، از آن سو اقدامات اصلاح‌گری و زمینه‌ساز، نوید ظهور موعود را به گوش جان می‌رساند. موعودی که از طرف خداوند ماموریت یافته، بشر را به مقصد و غایت آرمانی برساند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

شما باید زمینه را آماده کنید، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود علیه السلام باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان خودش نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۱۰/۲۵).

بنابراین یکی از لوازم اصلی مهدویت که آن را از تخریب مصون می‌دارد توجه به اصل زمینه‌سازی برای ظهور منجی در عرصه گیتی به عنوان یک تکلیف و مسئولیت است که

معصومین علیهم‌السلام در هر عصر و زمانی براساس مقتضیات زمان طرح زمینه‌سازی ظهور را، با روش انجام تکالیف و وظایف شرعی برای مخاطب زمان خودشان در ابعاد دینی، اجتماعی و حکومتی و سیاسی اجرا می‌کردند. از این منظر وظایف دینی به مثابه خشت‌هایی است که در هر لحظه بنای رفیع ظهور را تکمیل می‌کند و موجبات بسط ید امام و پیگیری اهدافش را فراهم می‌کند.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

هرچند اعتقاد به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد، بلکه انتظار باید به دنبال آن عمل بیاید و خود را برای سربازی امام زمان علیه‌السلام آماده کرد. سربازی امام زمان علیه‌السلام، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد. کسی که در انتظار آن مُصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۷/۳).

قرآن کریم و تمام معصومین علیهم‌السلام بشارت استقرار و تمکین حکومت آرمانی مهدوی را وعده داده‌اند؛ ولیکن مسلمین باید مقدمات متناسب با آن غایت را، همچون عدم سازگاری با ظلم، حرکت قاطع علیه ظلم، اقامه حدود اسلامی و عدم اجازه به جولان دادن اندیشه‌های غیراسلامی و ضداسلامی از راه معقول فراهم نمایند، این چنین جامعه زمینه‌ساز به امام زمان علیه‌السلام نزدیک می‌شود البته نه نزدیک شدن در زمان و مکان بلکه یک نزدیک شدن معنوی است. نتیجه آن که اگر زمینه‌سازان ظهور از جهت کیفیت و کمیت جامعه اسلامی را رشد دهند؛ قدم به قدم جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نزدیک کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰ ش: ۳۴۳-۳۴۴).

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قائم به عدل

از ارکان شهر آرمانی وجود حاکمی مشروع در رأس آن است صدرالمتالهین در این باره می‌فرماید:

جامعه‌ای آرمانی است که در آن معصوم یا جانشین معصوم حاکم باشد، زیرا در چنین جامعه‌ای است که رسیدن به سعادت و کمال مطلوب برای انسان امکان‌پذیر است (ملاصدرا، ۱۳۶۰ ش: ۴۹۰).

وجود آرمانی حضرت بقیه الله الاعظم در بین سایر معصومین برای تحقق شهر عدالت محور،

به دلایلی ممتاز گشته است:

الف) بخشی از جهان بینی بشر که مسئله منتها سیر بشریت و مقصد او در این دنیا، با اعتقاد به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت گستر جهانی تکمیل می شود، و عدم التفات به این رکن منجر به خلاء در جهان بینی می گردد. مقام معظم رهبری می فرماید:

اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک بخشی از جهان بینی ادیان است؛ یعنی ادیان الهی هم چنان که در جهان بینی عمومی خودشان نسبت به عالم، آدم، منشأ آفرینش و منتهای سیر حیات بشر یعنی درباره مبدأ و معاد نظر می دهند، یکی از بخش های این جهان بینی عبارت از پاسخ به مسئله نهایت سیر کاروان بشر در این دنیا است. پاسخ ادیان به این سؤال، تقریباً یکسان است؛ معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دلنشین خواهد رسید. خصوصیت عمده این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته عمومی بشریت از اول تا امروز و تا آخر است (بیانات رهبری، ۲۱/۰۳/۱۳۹۳).

ب) نافرجام نماندن زحمات انبیاء با عینیت یافتن جامعه آرمانی مهدوی، بعثت، دعوت انبیاء و زحمات طاقت فرسایشان بی فایده و بی اثر نخواهد بماند. رهبر عظیم الشان می فرماید:

مسئله مهدویت در شمار چند مسئله اصلی در چرخه و حلقه معارف عالیه دینی است؛ مثل مسئله نبوت. چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه انبیاء و همه بعثت ها برای خاطر آن آمدند و آن ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته براساس عدالت و با استفاده از همه ظرفیت هائی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده (بیانات رهبری، ۱۸/۰۴/۱۳۹۰).

ج) تکامل تاریخ: تکامل از جمله قوانین تکوینی که بر تاریخ حاکمیت می کند، معنای تکامل برخلاف تفکرات مارکسیستی پیچیدگی جامعه از لحاظ ارتباطات اجتماعی و اقتصادی و بعد هم تکنولوژی نیست. بلکه تکامل، یعنی مفاهیم عالی را بهتر درک کردن، تخلق به اخلاق عالی را بیشتر پیدا کردن، و یک قدم به سوی یک معرفت صحیح جلو رفتن است (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۶/۲۷).

با توجه به مفهوم تکامل تاریخ یکی از مهم ترین مصادیق عینی تکامل فریاد عدالت خواهی در جهان و عقب نشینی جبهه متکبر و مستکبر بوده است. چنان که مقام معظم رهبری می فرماید:

تاریخ دارد عوض می شود. یکی از بیچ های مهم حرکت تاریخ، در زمان من و شما دارد

طی می‌شود. امروز به دوران نبی اکرم ﷺ نگاه کنید؛ از دور پیچ را می‌شود دید. از این جا شما می‌فهمید که بشریت در دوران صدر اسلام، مشغول چگونه حرکتی بود و چه کار می‌کرد. امروز دنیا در حال آن چنان تحولی است که آن روز بود؛ آن روز هم کسی باور نمی‌کرد شما خیال می‌کنید قدرت‌هایی که آن روز بر دنیا مسلط بودند، کمتر از قدرت استکباری امریکای امروز احساس قدرت می‌کردند؛ نه آنها هم همین طور احساس قدرت می‌کردند. این حادثه همیشه بوده، امروز هم هست. آن روز هم دنیا و دنیاداران درمقابل حرکت پیامبر ﷺ، با چهره خشن و سرد و با کمال خشونت رفتار می‌کردند؛ مخصوص امروز نیست؛ اما در همه موارد هم آن جبهه‌ای که در نهایت عقب‌نشینی کرده، همان جبهه متکبر و مستکبر بوده است. این جاست که تاریخ روز به روز تکامل پیدا کرده است. تفسیر الهی تاریخ این است (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۶/۲۷).

(د) مهدویت و امید به عدالت: بزرگ‌ترین خاصیت اعتقاد به مهدویت در میان شیعیان، امیدآفرینی در رابطه با احیاء عدالت و نابودی ظالمین است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله مهدویت، در سخت‌ترین شرایط شعله‌ی امید همواره در دل او وجود دارد؛ می‌داند دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد؛ این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴).

با توجه به مطالب پیشین چنین فهم می‌شود که آرمان مهدویت، مانع به یغما بردن ثروت مستضعفین توسط استعمار است. لذا فرماندهان استعماری درصدد زوال و یا تخدیر عقیده مهدویت در بین مردم هستند. تخدیر و تخریب این عقیده به این امر است که بشریت خود را مسئول و مکلف برای اصلاح ندارد بلکه تنها امام زمان علیه السلام را مسئول اصلاح‌گری بدانند و لاغیر!

پیامد این تفکر، تبدیل کردن موتور محرکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدر و خواب‌آور است (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۱۰/۲۵). در حالی که منتظر واقعی خود را مکلف می‌کند که شرایط اقدام حضرت بقیة الله الاعظم را فراهم نماید و چنین می‌سراید:

همیشه منتظرت هستم / بی‌آنکه در رکود نشسته باشم / همیشه منتظرت هستم / چونان
 که من / همیشه در راهم / همیشه در حرکت هستم / همیشه در مقابله (صفا زاده، ۱۳۵۸ ش: ۷۱).

اکنون سؤالی که اذهان با آن مواجه می‌شوند؛ چیستی و چگونگی زمینه‌ساز بودن حکومت آرمانی مهدوی؟

آرمان اجتماعی عدالت زمینه‌ساز حکومت مهدوی

عدالت از ارکان آرمانی و پایه‌های حکومت آرمانی مهدوی برای برافراشتن کلمه «لا اله الا الله» در رأس مخروط جهان هستی است، که لازمه این رستاخیز ابتدا اهتزاز پرچم عدالت در عرصه فردی و رابطه با خود است، یعنی از مصادیق ظلم به خود اجتناب کردن، که عبارتند از گناهان، لغزش‌ها، رفتن به دنبال شهوات، رفتن به دنبال اهواء، دورشدن از توجه و تذکر و خشوع در مقابل پروردگار (بیانات رهبری، ۲۷/۰۲/۱۳۹۰).

در مرحله دوم اقامه عدالت در روابط اجتماعی؛ دعوت به اجتماع به صورت مستقل و صریح جز از ناحیه نبوت و در قالب دین از جای دیگری شروع نشده است و از بین ادیان آسمانی، اسلام با صراحت بیشتری امر اجتماع را موضوع مستقل قرار داده است (طباطبایی، بی تا: ۷-۹).

قرآن در این رابطه دعوت خود را به دو صورت اعلام کرده است:

۱. دعوت به اصل اجتماع و اتحاد (انعام: ۱۵۲؛ آل عمران: ۱۰۵).

۲. دستور ساختمان یک اجتماع اسلامی بر مبنای بهم پیوستگی، در حفظ و حراست منافع و مزایای معنوی و مادی [عدالت] و دفاع از آن اجتماع (طباطبایی، بی تا: ۱۰).

دفاع از اجتماع و منافع ایشان بدون نفی طبقات اجتماعی، نفی فرعون‌ها و نمرودهای زمان بدون عدالت، بدون استقرار عدل و انصاف، توحید معنایی ندارد. یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است. لذا پیام استقرار عدالت، پیام پیغمبران است (بیانات رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۳). ادیان نقشی بی‌بدیل در به ارمغان آوردن عدالت برای بشریت دارند، شواهد ذیل صحت مدعای ما را اثبات می‌کنند:

الف) به شهادت قرآن، هدف نظام‌سازی ادیان، هدف تمدن‌ها، هدف حرکت بشر در محیط جامعه خودشان را عدالت قرار دادند. چرا که قیام به عدل مقدمه هدف خلقت یعنی عبودیت است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶).

ب) خصوصیت دیگر ادیان این است که انبیاء در طول تاریخ در کنار مظلومان برای عدالت عملاً در حال پیکار و معارضه بودند. در حالی که حکما و روشنفکران درباره عدالت حرف می-

زدند؛ ولی در مقام عمل وارد میدان نمی‌شوند.

ج) این‌که همه ادیان متفقند در این‌که مبدأ در مسیر و پایان این حرکت عظیم تاریخی، یک پایان امید به عدل است که آن دوران استقرار دین کامل است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷). در قرآن کریم از عدالت اجتماعی تعبیر به قسط شده است. معلوم می‌شود که بین عدل و قسط تمایزی است. عدل مفهومی کلی و عام که در تمام نظام هستی حاکم است ولیکن قسط مفهومی جزئی که اختصاص به جامعه بشری دارد. رهبر عظیم‌الشان درباره عدل می‌فرماید: عدل به معنی یک موازنه صحیح در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه حوادث دنیا وجود دارد. به تعبیر دیگر عدل یعنی رفتار صحیح؛ موازنه صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن اما قسط یعنی این‌که عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی درآید (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۱۱/۱).

عدالت اجتماعی یا همان قسط ثمره دلکش شجره طوبای فطرت انسانی و قانون طبیعت است که همیشه کام بشر را شیرین نموده است. براساس منظومه فکری رهبر عظیم‌الشان به سه دلیل بشریت منتظر قائم قسط و عدل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه است: الف) برافراشتن پرچم عدل از قوانین لایتخلف طبیعت و تاریخ است «آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

در جای دیگر معظم له شاهدهی عینی بر قانون طبیعت می‌آورند و می‌فرماید: حرکت‌های عدالتخواهانه، نمایانگر قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸).

بنابراین از آن جهت که طبیعت و قانون عالم و تاریخ بر عدالت سرشته شده است بشریت خواهان عدالت مهدی موعود است.

ب) فریاد و استغاثه بشر که دائماً در طلب و نیاز مبرم عدالت هستند؛ در گوش شنوای حق‌گرایان طنین‌انداز می‌شود. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

به تبع احساس نیاز به عدالت که در طول تاریخ تا امروز در مردم عمومیت داشته، متفکران بشر، فیلسوفان و حکما در این مقوله وارد شدند و دغدغه آنها بوده است (بیانات رهبری، ۲۷/۲/۱۳۹۰).

طرح ایده حکومت عدل جهانی مهدوی به عنوان اساسی‌ترین نیاز انسان معاصر می‌تواند پاسخگوی خلاء کنونی انسان معاصر باشد و قرار دادن چنین طرحی در مدار گفتمان جهانی

زمینه‌های فکری ضرورت چنین تبدیلی را در اذهان پدید خواهد آورد و انظار عمومی را از اندیشه‌های متزلزل و نامتوازن به سمت اندیشه عقلانی و فطری و جامع‌نگر سوق خواهد داد (صمدی، ۱۳۸۸ ش: ۱۳۵).

ج) عدالت خواهی و عدالت‌گرایی از جمله مبانی سرشتی و فطری وجودی انسان است که همیشه بشر تشنه آن است. اگر چنین اندیشه نابی که از جان‌مایه‌های فطری و انسانی برخاسته است. با روش عقلانی و فرمول نظام‌مند و منطبق با فاکتورهای هویتی و آرمانی بر خرده‌ها عرضه گردد. بی‌شک از پوسته‌ها و مرز تصنعی عبور کرده و نگاه‌ها را به سوی خود معطوف خواهد نمود (همان: ۱۳۲). آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

اسلام به ما آموخته است که انسان‌ها با وجود ناهمگونی‌های نژادی و زبانی و فرهنگی، همسانی فطری آنها را به پاکی و عدالت و نیکوکاری و همدردی و همکاری توحید و معرفت ذات متعالی خداوند رهنمون می‌گردد (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۶/۰۹).

بنابراین نیاز به عدالت و برقراری عدالت اجتماعی آحاد بشر را به مسئله و درد بزرگ بشریت یعنی فقدان عدالت و محرومیت از حقوق طبیعی رهنمون ساخته است و رفع این مسئله را انسان از ظهور مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف می‌طلبد و انتظار می‌برد. بنابراین مسئله، مسئله طلب عدالت است (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۷/۰۳).

امین‌پور پس از ارائه گزارشی از اوضاع منتظران مهدی زمان ظهور و عدالت را به فصل تقسیم تشبیه کرده است:

فصل تقسیم گل و گندم و لبخند رسید / فصل تقسیم غزل‌ها و غزل‌خوانی‌ها / سایه امن کسای تو مرا بس / تا پناهم دهد از وحشت عربانی‌ها (امین‌پور، ۱۳۸۵ ش: ۳۵۶).

توصیه‌های سیاستی آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با آرمان عدالت

وقاحت و بی‌شرمی زورمندان و مستکبران عالم بدان جا رسیده است که ترک تازی و چپاول‌گری خودشان را در چارچوب قوانین بین‌الملل و با ارائه نظمی نوین در مخ بشریت می‌خواهند فروبشانند؛ از منظر مقام معظم رهبری مهم‌ترین ترفند تاکتیکی و درس عملی درمقابل این نقشه ظالمانه، براساس برجسته‌ترین شعار مهدویت یعنی عدالت عبارت است از این‌که «نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه بدانند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - للباطل جولة» (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

۱. راهکارهای داخلی ایران و جهان اسلام

ایران اسلامی فراخور جایگاهش مأموریت و تکلیفی برای برهم زدن وضع ظالمانه جهانی دارد. چرا که با توجه به بشارت ادیان توحیدی مبنی بر این که عاقبت دنیا به کام مؤمنین است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که «نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان نه فقط ممکن است بلکه حتمی است زیرا وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کل عالم قابل تغییر است، آن ملت امید و شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند که نظم ظالمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست؛ می‌شود با آن مبارزه و درمقابل آن ایستادگی کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳). اکنون به تعدادی از عوامل تعیین‌کننده در سرنوشت جهان و ریشه‌کن کردن ظلم جهانی با دست ایرانیان اشاره می‌شود.

عوامل تعیین‌کننده عدالت به دو بُعد نظری و عملی تقسیم می‌شود:

بُعد نظری: تحقق عدالت در اجتماع مبتنی بر بنیان‌های جهان‌بینی توحیدی است، تا زمانی که رویکرد معرفت‌شناسی مطابق با واقع درباره عدالت در اذهان بشریت شکل نگیرد؛ انتظار برای به وقوع پیوستن عدل جهانی انتظاری منفعلانه است. لذا مقام معظم رهبری برای تدوین تصویری صحیح از عدالت راهبردهای ذیل را پیشنهاد دادند:

الف) تدوین نظریه ناب اسلامی در باب عدالت: در مرحله نظری، هدف رسیدن به نظریه اسلامی ناب در باب عدالت با نگاه متجددانه، نوآورانه، به منابع اسلامی است. محققین باید در استنباط عدالت اسلامی از مونتاز و کنارهم چیدن نظریات گوناگون متفکرین و حکمائی که در این زمینه حرف زدند، برحذر باشند. البته آشنائی با نظرات دیگران برای اتساع ذهن و استفاده بهتر و کامل‌تر از منبع اسلامی خودمان لازم است. البته علت دست یازیدن به نظریه ناب و خالص عدالت اسلامی از آن جهت است که مسئله عدالت مبتنی است بر پایه‌ها و مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و پایه‌های اساسی؛ و اگر بخواهیم به نظریات غربی استناد کنیم، در واقع تکیه به مبانی فلسفی و هستی‌شناسی آنان کردیم در حالی که آن مبانی از منظر اسلامی مردود می‌باشند. همچنین در رویکرد نگاه اسلامی عدالت ناشی از حق و یک وظیفه و «باید» الهی است در حالی که در مکاتب غربی این‌جور نیست.

ب) کشف نظریه ناب اسلامی از طریق تعدد آراء و تضارب آراء: نکته دیگر این است که در عرصه تفکر و نظریه‌پردازی، رهاورد تعدد آراء و تضارب آراء نشاط علمی است. لذا از پیش‌دآوری‌ها و از نظریه ثابت از قبل تعیین شده باید پرهیز کرد. بعد از آن که به نظر نهائی و مختار توأم با جمع‌بندی قوی و متقن و مستدل در باب عدالت اجتماعی رد برنامه‌های بلندمدت رسیدیم؛

باز احتمال مطرح شدن آراء و نظرات جدید در آینده باشد، نیاز داریم؛ که این خودش پژوهش‌های فراوانی را دنبال خواهد کرد. آن وقت در این جاست که ما می‌توانیم از تجربیات بشری استفاده کنیم.

ج) عدالت‌پژوهی از طریق تأسیس رشته تعریف شده علمی در حوزه و دانشگاه: وظایف حوزه: ۱. در حوزه قاعده عدل و انصاف بایستی تنقیح شود؛ این قاعده تاکنون غیرمنقح است، یعنی بخش‌های مختلف فقهی استنادهایی به این قاعده می‌شود در حالی که قابل استدلال نیست؛ ۲. یکی از بخش‌هایی که یک فقیه در درس فقه استدلالی خودش دنبال می‌کند، مسئله عدالت باشد؛ «کتاب العدالة»؟ البته در باب عدالت اجتماعی بحث فقهی قوی شود. وظایف دانشگاه عبارت از تأسیس دانش میان‌رشته‌ای که هم نظریه‌پردازی را گسترش می‌دهد و هم نیروهای توانمندی را در این عرصه تربیت می‌کند.

د) تعیین شاخصه‌های عدالت: یکی از کارهای مهم نظری شاخصه‌های عدالت را پیدا کردن است و عدم التقاط شاخص اسلامی با شاخصه‌های غربی باید مستقلاً شاخص‌های عدالت، استقرار عدالت و سند جامع عدالت را جمع و تدوین کرد (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

ه) توجه به نقش اساسی اعتقاد به مبدأ و معاد در مسئله عدالت: استقرار عدالت در جامعه به معنای حقیقی کلمه بدون اعتقاد به مبدأ و معاد غیرممکن است و بدین جهت در طرح‌های قشنگ غربی در باب عدالت مطلقاً در عمل عدالت تحقق پیدا نمی‌کند بلکه بی‌عدالتی مطلق در آن جا وجود دارد. پشتوانه اعتقاد به معاد، اعتقاد به تجسم اعمال، اعتقاد به تجسم ملکات در قیامت، خیلی تأثیر در عادل بودن، عدل خواهی و ستایش عدل دارد مثلاً انسان بداند که رفتار ظالمانه، حتی اندیشه ظالمانه، گرگ صفتی در دنیا تجسمش در قیامت، گرگ برخاستن از خواب‌گران مرگ است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

بُعد عملی: روش‌ها و راهکارهای جدید و مؤثر برای تحقق عدالت صورت گرفته است؛ لیکن مطلقاً راضی‌کننده نیست. نیاز و هدف، عدالت حداکثری در جامعه است؛ و ریشه‌کن شدن ظلم در جامعه است لذا برای کم کردن فاصله بین آنچه که از عدالت لازم است و وضعیت کنونی بایستی به روش‌ها و راهکارهای جدید و مؤثر دست پیدا کنیم روش‌های متقن و مبتنی بر تعاریف متقن اسلامی را پیدا کنیم، تشخیص بدهیم، روی آنها مستقر شویم و حرکت کنیم (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

توصیه‌های رهبری برای تحقق عدالت در بُعد عملی عبارتست از:

الف) نمایندگان محترم مجلس و شورای نگهبان عدالت به عنوان یک معیار و یک سنجه اساسی در قانون‌گذاری مدنظر داشته باشد و مسئله عدالت را رصد دائمی نسبت به مسئله عدالت داشته باشند (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

ب) ایرانیان در مقابل زورگویی و گردن کلفتی مقاومت و استقامت نمایند. دو نوع برخورد در مقابل طغیانگران وجود دارد: یک برخورد تسلیم است؛ اما تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگویی تشویق می‌کند (بیانات رهبری، ۸۷/۳/۱۴).

برخورد دوم تجهیز صالحین و وارثین زمین به سلاح «مقاومت و اقتدار» برای اسقرار عدالت است.

مقاومت در فرهنگ قرآنی یعنی تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده‌طلبی نشدن، درعین حال مقاومت‌گراها نه اهل تجاوز، نه اهل سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به ملت‌ها و کشورها هستند، نه اهل فرورفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال است؛ بلکه در موضع اقتدار بازدارنده می‌باشند. چنانچه خداوند می‌فرماید:

﴿أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (انفال: ۶۰).

«تُرْهَبُونَ بِهِ» همان چیزی است که در ادبیات سیاسی «قدرت بازدارندگی» می‌گویند (بیانات رهبری ۱۳۹۶/۲/۲۰).

استقامت و قدرت بازدارنده مسلمانان هرگونه اطاعت، رکون و ادهانی را در مقابل طواغیت نفی می‌کند. چرا که رکون،^۱ نوعی اعتماد توأم با میل و رغبت نسبت به استکبار است که با سپردن ولایت امور عامه به دست استکبار، استقلال جامعه دینی نفی می‌گردد و نتیجه آن حق با احياء باطل احياء گشته و بالاخره به خاطر احیائش کشته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۱۱، ۶۷) و ادهان،^۲ نوعی نرمی و روی خوش نشان دادن به کفار است که پیامد آن مسامحه و مایه گذاشتن از دین است (همان: ج ۱۹، ۶۲۱).

بنابراین به مقتضای منظومه دینی شیعه استقامت؛ شرط پیروزی است و برای آن که دل و جان انسان در برخورد با حوادث روزمره زندگی، گرفتار فرسایش نشود نیاز به اعتراف به عبودیت در مقابل خدا و پایداری و استقامت در راه هدف دارد (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۷/۱۷).

۱. «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود: ۱۱۳).
 ۲. «فَلَا تَطْعَمُ الْمَكْذِبِينَ. وَذُؤَا لُؤْثُهُنَّ فَيُدْهِنُونَ. وَلَا تَطْعَمُ كُلَّ خَلَافٍ مِّمَّيْنٍ» (قلم: ۸-۱۰).

در معنای مقاومت چند مؤلفه‌ی بسیار مهم نهفته است: اولاً معنای مقابل نشستن است؛ ثانیاً روی آوردن به یک عمل مادی یا معنوی و به انجام رساندن آن است؛ ثالثاً تداوم و استمرار عمل از لوازم آن به شمار می‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ج ۹، ۳۴۲-۳۴۳)؛ رابعاً استقامت در طریق، ملازم رفتن و حرکت است و در هر حرکت مشکلات و موانع زیادی هست. مشکلات زیاد، استقامت و ایستادگی می‌خواهد چرا که کسی که به سوی مقصودی روان است و سنگلاخ‌های پی در پی و موانع خطرناک در راه او یافت شود و یا خصم ایجاد کرده باشد، چنانچه استقامت در برابر موانع نداشته باشد، در نیمه راه از کار باز مانده و به مقصود خود نخواهد رسید، ولی اگر همان راه را با استقامت طی کند، با موانع مبارزه کند، بر تحمل پیش‌آمدهای ناگوار، توانا باشد، بی‌گمان به مقصود خود می‌رسد (مطهری، ۱۳۷۷ ش: ج ۲۷، ۷۹۹) زیرا طریقی که متصف به استقامت است کوتاه‌ترین خط میان فرد و هدف است و علاوه بر این رهنورد در راه روشن، بدون هیچ تردید و انحرافی به غایت می‌رسد و در نهایت در استقامت آدمی تمامی آثار و منافع را از نفس خود طلب می‌کند به طوری که دیگر فساد و نقص به آن راه نیابد و به حد کمال و تمامیت خود برسد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۱، ۶۲).

از این جهت، می‌توان میان استقامت و مفهوم «صبر»، تشابهی به لحاظ معنا مشاهده نمود؛ اصل صبر، مفهوم مخالف جزع و بی‌تابی است که در مواضع گوناگون، متناسب با همان موضع معنا می‌دهد. صبر در مسیر اطاعت و انجام وظایف، همان معنای استقامت از آن بر می‌آید؛ به این معنا که باید در مسیر اطاعت، بدون هیچ اضطراب و مسامحه‌ای، استقامت ورزید (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش: ج ۶، ۱۸۲). بنابراین در مفهوم صبر آن‌گاه که قرار است در حیطة اطاعت استعمال شود، حرکت رو به جلوی توأم با استقامت و بدون هیچ اضطراب و بی‌تابی در آن مشاهده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت مقاومت یا استقامت یا صبر، مستلزم حرکت مستمر و پیوسته رو به جلویی در یک راه‌گزینش شده توأم با موانع و مشکلات است و نباید با معنای حلم - که تحمل موانع بدون التزام به حرکت در آن ملحوظ است - اشتباه گرفته شود. (ج) قدرت بازدارنده و اقتدار: ایجاد عدالت هرگز با موعظه و نصیحت ظالم به دست نمی‌آید بلکه احتیاج به این دارد که مردمان عادل و انسان‌های صالح و عدالت‌طلب، قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند.

چنانکه وقتی خداوند در قرآن کریم فلسفه نبوت را برپایی قسط معرفی می‌نماید: ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ بلافاصله می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ﴾ (حدید: ۲۵) یعنی پیغمبران علاوه بر اینکه با زبان دعوت سخن می‌گویند، با بازوان و سرپنجه‌گان

قدرتی که مجهز به سلاح هستند؛ با زورگویان و قدرت‌طلبان فاسد، معارضه و مبارزه می‌کنند (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳).

سه عنصر اصلی حفظ اقتدار، قدرت و دفاع ملی که زمینه‌ساز حکومت آرمانی مهدوی است عبارتند از:

۱. اقتدار مردمی و روحیه انقلابی مردم: چنانکه می‌دانید حکومت آینده حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک حکومت مردمی مثنوی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است که با آنچه امروز در دنیا به اسم دموکراسی و مردم‌سالاری همان دیکتاتوری‌های قدیمی به خورد بشر می‌دهند زمین تا آسمان متفاوت است. چرا که مردم‌سالاری و دخالت مردم در امور دنیای امروز در پنجه اقتدار پول اسپر است که لازمه آن، تبعیض، محرومیت و فقر گروه کثیری خواهد شد، و چنین چیزی با نظام اسلامی و با انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف کاملاً منافات دارد، زیرا مردم‌سالاری امام زمان یعنی مردم‌سالاری دینی که با روش دموکراسی غربی، به کلی متفاوت است (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۷/۳)؛

۲. توجه به بخش تشکیلات نظامی و تشکیلات امنیتی است؛

۳. پیشرفت در مسائل فتنی و ابزارهایی که می‌سازند همچون موشک‌های بالستیک (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۶/۴).

د) طرح دعاوی حقوقی و احقاق حقوق مظلومان از طریق مجامع بین‌المللی: «قوة قضائیه باید در موضوعاتی همچون تحریم‌ها، مصادره‌های آمریکایی‌ها، تروریسم و یا حمایت از شخصیت‌های مظلوم دنیا همچون شیخ زکراکی و یا حمایت از مسلمانان میانمار و کشمیر، از جایگاه حقوقی وارد شود و نظر حمایتی و یا مخالفت خود را قاطعانه اعلام کند تا در دنیا منعکس شود» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۰۴/۱۲).

ه) موضع‌گیری صریح و شجاعانه: «جمهوری اسلامی این افتخار را برای خودش باید حفظ کند که علناً و صریحاً علیه ظلم حرف بزند؛ چه این ظلم در مناطق اشغال‌شده به وسیله صهیونیست‌ها باشد، چه در کشور یمن و مباران مردم یمن باشد، چه در بحرین باشد، چه در میانمار و چه در هر نقطه‌ی دیگری» (بیانات رهبری، ۱۳۹۶/۰۶/۲۱)

باید خاطر نشان کرد که امام خمینی رحمته الله علیه نسخه جدیدی از شجاعت و صراحت را به ما عرضه می‌کرد که تا قبل از آن هرگز چنین نسخه‌ای در جهان اسلام یافت نمی‌شد عبارت از نفی دست‌اندازی‌های ظالم، انکار صریح هیبت و ابهت ظالم و شکستن این ابهت بود (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۳/۱۴).

«در بُعد خارجی، امام صریحاً در "جبههٔ مخالف قلدان بین‌المللی و مستکبران" بود و در حمایت از مظلومان هیچ ملاحظه‌ای نمی‌کرد. امام در چارچوب این اصل فکری خود، همواره در مقابل آمریکا و دستگاه سیاسی و امنیتی آن موضع گرفت و متقابلاً از ملت‌های مظلوم به ویژه مردم فلسطین با کمال صمیمیت و قاطعیت حمایت کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۳/۱).

ز) قوت قلب جامعه: اکسیررهایی ملت‌ها از چنگال استعمار، شریان داشتن خون قوت قلب در رگ جامعه است. قوت قلب آحاد جامعه، راهبردی‌ترین شگرد در مقابل استکبار جهانی که در صدد تزریق احساس ضعف و احساس عدم توانایی و بی‌پشتوانگی در دل مسئولان کشورهای اسلامی است، که در نهایت پیامد این بلای بزرگ بی‌حرکتی ملت‌هاست.

دو عامل اساسی که به جامعه منتظر حکومت آرمانی قوت قلب می‌دهد: ۱. امدادهای غیبی الهی و اتکاء به خدا، البته کمک غیبی در صورت ایستادگی در میدان جنگ، در میدان چالش‌های سیاسی، به سراغ ملت‌ها می‌آید؛ نه در حال بیکاری؛ ۲. توجه و نظر لطف ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قوت قلب و توانایی را مضاعف می‌کند (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۶/۲۹).

۲. راهکارهای جهانی و بین‌المللی

بُعد نظری: بیداری و معرفت افزایی جهانیان نسبت به موعود عدل گستر: وظیفه زمینه‌سازان حکومت آرمانی مهدوی طرح گفتمان شکست تمام ایدئولوژی‌های رقیب ایده‌ی حکومت عدل مهدوی است تا بدین طریق رویکردی جهانی نسبت به حکومت عدل گستر مهدوی ایجاد شود؛ اساساً این باور از حالت اعتقاد و گرایش بسیط به رویکرد جمعی تبدیل شود، در این صورت یکی از الزامات و بایسته‌های آرمان‌های زمینه‌ساز حکومت مهدوی محقق خواهد شد. بنابراین تا بشر به این باور یقین نرسد که تنها راه نجات انسان رویکرد عمومی و جهانی به حکومت عدل جهانی مهدوی است، هرگز خود را برای پذیرش حکومت مهدوی آماده نخواهد کرد (صمدی، ۱۳۸۸). مقام معظم رهبری می‌فرماید:

عقاید اسلامی، به خصوص عقاید شیعی، جزء پاکیزه‌ترین و منطقی‌ترین و مستحکم‌ترین عقاید است. این عقاید را بایستی اولاً درست فهمید؛ ثانیاً آنها را با تدبیر و تأمل عمق بخشید؛ ثالثاً آنها را به درستی منتقل کرد. پس اگر به مخاطبین حقایقی که دربارهٔ مهدی موعود در مذهب امامیه موجود است؛ بی‌پیرایه‌ها، بی‌خرافه‌ها و ادعاهای دروغین عرضه شود، مساوق^۱ با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش

۱. مطابق و برابر.

مخاطب است (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

بُعد عملی: زمینه‌سازان عدالت آرمانی، علیه حکومت‌های خون‌آشامی که خون بشریت را می‌مکند، و خود روز به روز فربه‌تر می‌شوند؛ باید فرمان آتش به اختیار و مبارزات عملی را سرلوحهٔ جهاد خود قرار دهند. مقام معظم رهبری به جوان مؤمن انقلابی توصیه می‌نماید:

[که او] باید بداند کوتاهی در انجام وظایف و به تبع آن تداوم وضع موجود در جهان، به منزلهٔ پایمال شدن خون و حقوق انسان‌های مظلوم بیشتری در جهان تحت سلطهٔ نظام‌های ظالم است. این نظم ظالمانهٔ جهان را می‌توان برهم زد، به شرط آن که جریان مؤمن و انقلابی بداند که همچنان «مبارزه ادامه دارد» (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۱۱/۱).

نکاتی قابل توجه در میدان جهاد و مبارزه عملی با ظالمین برای رسیدن به حکومت عادلانه و آرمانی مهدوی براساس توصیه‌ها و رهنمودهای رهبری به شرح ذیل است:

الف) رسوا نمودن قدرت‌های استکباری: مقام معظم رهبری بر این عقیده‌اند که در این مبارزه ابتدا باید از قدرت‌های پوشالی مادی که از درون کرم خورده و موریانه خورده باید پرده برداشت.

ب) آماده بودن: آمادگی جهان اسلام دشمن را بیمناک می‌کند؛ نه بیمناک از تجاوز مسلمان و اسلام چرا که مسلمان اهل تجاوز نیست، آنها بیمناک از ایستادگی، بیمناک از فکر حملهٔ به مسلمانند (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۸/۱۹).

البته این رعب و وحشت از جنود الهی است؛ که خداوند در صورت ایستادگی و مقاومت مبارزان عدالت‌پیشه در قلوب دشمنان ایجاد می‌کند، و این همان وعدهٔ راستین الهی است که خداوند یاوران دینش را امداد می‌رساند.

ج) یقین به پیروزی: در مسیر مبارزه یقین به پیروزی و قد برافراشتگی علیه جهان‌خواران داشته باشید مشروط به تحقق این شرط که «با همه وجود، پای احکام نجات‌بخش اسلام و تبعیت از احکام قرآنی بایستید و بی‌هیچ رودربایستی و بی‌هیچ ملاحظه از کسی، در این راه و صراط مستقیم حرکت کنید. آن وقت است که خوب می‌توانید ایستادگی کنی» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۸/۱۹).

د) تشکیل جبههٔ متحد در مبارزهٔ حق‌جویانه و عدالت‌گرایانه علیه سردمداران ظلم جهانی و پنجه درافکندن با زورگویان با رویکرد جمعی و بسیج عمومی از طریق تشکیل جبههٔ واحد، فتح و نصرت الهی بدرقهٔ راهتان می‌گردد:

یکی دیگر از مسائلی که به نظرم می‌توانید شما انجام بدهید تشکیل یک جبهه واحد ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی در سطح دانشجویان جهان اسلام است؛ این کار را بکنید. بنشینید، فکر کنید، بعد یک جبهه ضدصهیونیستی و ضدآمریکایی [تشکیل بدهید] بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۴/۱۲

حضور جوان انقلابی درصفت مقدم استکبارستیزی در گستره جهانی، صدق ادعای یآوری امام زمان علیه السلام در جنگ علیه زر و زور در زمان ظهور به عینیت می‌رساند، و اگر کسی در میدان نبرد حق علیه باطل اهمال و سستی و کارشکنی کند؛ بداند که در دوران ظهور هم شاکله وجودش براساس روند قبلی سامان یافته است، و دور از انتظار است که شایستگی همراهی با امام را در تقابل سفیدی و سیاهی داشته باشد.

ه) استفاده از فرصت دیپلماسی عمومی و فضای مجازی جهان معاصر اقتضای دیپلماسی عمومی دارد لذا جریان مؤمن و انقلابی باید در این بین نقش خود را ایفا کرده و از همه فرصت‌ها برای رفع ظلم در جهان استفاده کند. تشکیل کمپین‌هایی اسلامی ضدسیاست‌های آمریکایی صهیونیستی در فضای مجازی بهترین فرصت است. رهبر انقلاب، فراخوان به جوانان دانشجویی می‌کنند:

جریان مؤمن و انقلابی هم باید در این بین نقش خود را ایفا کرده و از همه فرصت‌ها برای رفع ظلم در جهان استفاده کند. مثلاً دنیا، دنیای "دیپلماسی عمومی" است و گسترده شدن "فضای مجازی"، پس از این فرصت باید استفاده کرد. در فضای مجازی تماس بگیرید، کما این‌که در موارد مشابهی این کار انجام گرفته. به قول این فرنگی‌مآب‌ها یک کمپین‌های عمومی دنیای اسلامی تشکیل بدهید علیه تسلط آمریکا، از لحاظ ضدیت با سیاست‌های آمریکایی و سیاست‌های صهیونیستی تشکیل داد تا در مواقع لزوم، میلیون‌ها جوان دانشجوی مسلمان با موضع‌گیری خود، حرکتی عظیم را در جهان اسلام به وجود آورند (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۴/۱۲).

و) تشکیل مشارکت دموکراتیک جهانی در عرصه مدیریت بین‌المللی: مدیریت جهان کنونی دیکتاتوری محض است. زمینه‌سازان حکومت آرمانی می‌بایست در این نحوه جهاننداری انقلاب ایجاد کنند و از اصل و اساس بنیان‌ها، شالوده‌ها و سازکارهایی براساس قوانین الهی بنا نهند؛ تا بدین طریق کاروان بشریت را به سرمنزل مقصود مدیریت فرمایند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

اتاق فرمان جهان نباید با دیکتاتوری چند کشور غربی اداره شود. باید بتوان یک

مشارکت دموکراتیک جهانی را در عرصه مدیریت بین‌المللی شکل داد چرا که ایشان منافع خود را به نام «قوانین بین‌المللی»، و سخنان تحکم‌آمیز و غیرقانونی خود را به نام «جامعه جهانی» بر ملت‌ها تحمیل می‌کنند و با شبکه رسانه‌ای انحصاری سازمان یافته، دروغ‌های خود را راست، و باطل خود را حق، و ظلم خود را عدالت طلبی وانمود می‌کنند و در مقابل، هر سخن حقی را که افشاگر فریب آنها است، دروغ، و هر مطالبه برحقی را یاغی‌گری می‌نامند (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۶/۹).

سروده غنچه نرگس از هراتی چه نیکو به ضرورت همراهی انتظار با اعتراض و مبارزه با بی‌عدالتی‌های اجتماعی چه در سطح داخلی و خارجی اشاره دارد:

پیشوای کاروان عشق! / کاروان حماسه می‌سراید این چنین: انتظار سهم ماست / اعتراض نیز! / ما ظهور نور را به انتظار / با طلوع هر سپیده آه می‌کشیم / ای دلیل جنبش زمین قسم به فجر / تا تولد بهار عدل / ظالمان دهر را به دار می‌کشیم (هراتی، ۱۳۶۴ ش: ۱۱۵).

نتیجه‌گیری

منتظران حکومت عدل مهدوی تا ارکان و بنیان‌های آرمان عدالت را در دو حوزه اندیشه و عمل به فراخوانی مساحت جهانی و با رویکردی جمعی فراهم نسازد؛ زمینه‌های ظهور حکومت مهدوی فراهم نخواهد شد. لذا در زمان غیبت منتظران حقیقی باید خشت‌های بنای رفیع ظهور را با انجام تکالیف و وظایف شرعی در ابعاد دینی، اجتماعی و حکومتی و سیاسی تکمیل نمایند. چرا که انتظار حقیقی توأم با عمل است. لذا باید منتظر خود را برای سربازی امام زمان و منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، آماده کند و مقدمات متناسب با آن غایت را در بعد اندیشه و عمل فراهم می‌سازند. همچون عدم اجازه به جولان دادن اندیشه‌های غیراسلامی و ضداسلامی از راه معقول و از راه تدوین اندیشه ناب اسلامی درباره مسئله عدالت، بیداری و معرفت‌افزایی جهانیان نسبت به موعود عدل‌گستر، ایجاد رشته دانشگاهی با محوریت عدالت که هم از جهت نظریه‌پردازی و هم از جهت نیروسازی در خدمت تعالی اهداف عدالت‌خواهانه حکومت مهدوی باشد، تدوین شاخصه‌های عدالت مبتنی بر مبدا و معاد.

در عرصه عمل وظایف سربازان مهدوی در زمان غیبت عبارت از رصد دائمی نسبت به مسئله عدالت، مدنظر داشتن عدالت به عنوان یک معیار و یک سنجه اساسی در قانون‌گذاری، توجه به بخش تشکیلاتی نظامی و تشکیلات امنیتی، پیشرفت در مسائل فنی و ابزارهایی همچون موشک‌های برای استفاده در مبارزه عملیاتی علیه ظالمان، طرح دعاوی حقوقی و

احقاق حقوق مظلومان از طریق مجامع بین‌المللی، موضع‌گیری صریح و شجاعانه علیه ظلم، رسوا نمودن قدرت‌های پوشالی‌مادی که از درون کرم‌خورده‌اند، آمادگی جهان اسلام در همه ابعاد حکومتی، تشکیل یک جبهه‌ی واحد ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی در سطح دانشجویان جهان اسلام، تشکیل کمپین‌هایی اسلامی ضد سیاست‌های آمریکایی صهیونیستی در فضای مجازی و استفاده از "دیپلماسی عمومی" با گسترده شدن "فضای مجازی"، تشکیل مشارکت دموکراتیک جهانی در عرصه مدیریت بین‌المللی و نفی جهان توسط اتاق فرمان دیکتاتوری چند کشور غربی.

اگر سربازان و مدیران منتظر حکومت مهدوی از جهت کیفیت و کمیت جامعه اسلامی را رشد دهند در آن صورت قدم به قدم جامعه خود و زمان و تاریخ خود را به تاریخ ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک ترمی کنند البته نه نزدیک شدن در زمان و مکان بلکه یک نزدیک شدن معنوی است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۱ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۲. افضلی، سید عبدالرئوف؛ لک‌زایی، نجف (۱۳۹۲ش)، «آرمان شهر ملاصدرا؛ چیستی، ارکان‌ها»، *مجله دانشگاه باقرالعلوم*، شماره ۶۳.
۳. امین‌پور، قیصر، (۱۳۸۹ش)، *مجموعه کامل اشعار*، تهران: مروارید.
۴. انوری، حسن، (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
۵. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۰ش)، «زمینه‌سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۱۹.
۶. پناهیان، علیرضا، (۱۳۹۱ش)، *انتظار عامیانه انتظار عالمانه انتظار عارفانه*، تهران: بیان معنوی.
۷. حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۵ش)، «تجلی امید در فرهنگ مهدویت»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۱.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳ش)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: مؤسسه فرهنگ ایمان جهادی.
۹. دریاباری، محمدحسین (بی‌تا)، «پیشینه تاریخی اعتقاد به ظهور»، *نم‌افزار دانشنامه*

- مهدویت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۰. صفارزاده، طاهره (۱۳۵۸ش)، *بیعت با بیداری*، تهران: انتشارات همدمی.
 ۱۱. صلیبا، جمیل (۱۳۹۷ش)، *فرهنگ فلسفی*، تهران: حکمت.
 ۱۲. صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۸ش)، «آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، شماره ۱۱.
 ۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش)، *المیزان*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۱۵. مددپور، محمد(بی‌تا)، «پایان تاریخ واپسین انسان و عدالت مهدوی»، *نرم‌فزار دانشنامه مهدویت*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۱۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
 ۱۸. ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی (۱۳۵۴ش)، *المبدأ والمعاد*، به کوشش: جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
 ۱۹. ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی (۱۳۶۰ش)، *اسرارالایات*، تصحیح: محمد خواجوی، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
 ۲۰. ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی (۱۹۸۱م)، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۲۱. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۴۰۷ق)، *تجربید الاعتقاد*، تحقیق: محمدجواد حسینی جلالی، تهران: مرکز النشر التابع المکتب الاعلام الاسلامی.
 ۲۲. هراتی، سلمان (۱۳۶۴ش)، *از آسمان سبز*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۲۳. سایت KHAMENEI.IR